

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که در مباحث رمزارزها دو سؤال مهم (البته ممکن است سؤالات دیگری هم ضمیمه شود) در پایان این بحث باید مورد اشاره و پاسخ قرار بگیرد.

سؤال اول را در جلسات گذشته توضیح دادیم، سؤال این بود که در خصوص بیع گفته می‌شود مبیع باید عین باشد و رمزارز از جمله بیت کوین عین نیستند، که به تفصیل پاسخ دادیم.

سؤال دوم: در خصوص باب مضاربه است در باب مضاربه جمع متنهاهی از فقها می‌گویند مضاربه باید بر درهم و دینار مسکوک باشد، لذا مضاربه بر پولهایی که درهم و دینار نیست مثل اسکناس؛ دلار، یورو و ریال، می‌گویند جایز نیست و همین‌گونه گفته می‌شود مضاربه بر کالا هم جایز نیست، فرض کنید کسی ماشینی را در اختیار راننده قرار می‌دهد و می‌گوید با این ماشین رانندگی کن و یک سوم درآمد مال تو و دو سوم درآمد مال من، می‌گویند این مضاربه باطل است چون مضاربه بر کالا واقع نمی‌شود. لذا این اشکال در بیت کوین هم جدی وارد می‌شود و این سؤال در کشورهای عربی خیلی زیاد مطرح است و مبتلابه شیعیان است.

اشکال این است که بیت کوین را چه پول بدانیم و چه کالا، می‌گویند این اشکال وارد است، پول هم باشد درهم و دینار مسکوک نیست لذا مضاربه بر آن باطل است. بیت کوین کالا هم باشد مال مورد مضاربه نمی‌تواند کالا باشد.

اولاً قائلین به این قول معتنا هستند هم در بین متقدمین و هم در بین متأخرین، و قول شاذی نیست. **صاحب عروه** در بحث مضاربه وقتی شرائط مضاربه را مطرح می‌کنند، می‌فرمایند: «**الثانی: أن يكون من الذهب أو الفضة المسكوكين بسكة المعاملة بأن يكون درهماً أو ديناراً، فلا تصح بالفلوس ولا بالعروض بلا خلاف بينهم، وإن لم يكن عليه دليل سوی دعوى الإجماع، نعم تأمل فيه بعضهم و هو في محله ...**»^۲.

عروض جمع عرض به معنای متاع، مضاربه با کالا هم صحیح نیست، و **صاحب عروه** ادعای اجماع می‌کنند، حواشی عروه را مراجعه کنید، **محقق بروجردی** می‌فرماید: «**الأقوى ما عليه المشهور**»^۳، اقوا همین قول مشهور است که مضاربه به غیر از درهم و دینار جایز نیست.

لذا این سؤال در بحث اسکناس هم مطرح است، در بحث بیت کوین هم که بحث ماست، اشکال وسیع‌تر است، چه بیت کوین را پول بدانید و چه کالا بدانید آیا مضاربه با بیت کوین درست است یا نه؟ و آیا یکی از شرائط مضاربه این است که مضاربه فقط باید با درهم و دینار مسکوک به سکه معامله باشد یا نه؟

اشاره به عبارات قدما

شیخ طوسی در مبسوط: «**إذا ثبت جواز القراض (مضاربه)، فالكلام في ما يجوز أن يكون رأس مال في القراض و ما لا يجوز، و جملته أن القراض لا يجوز إلا بالأثمان من الدراهم و الدنانير، و أما غيرهما فلا يجوز و فيه خلاف و أما القراض بالنقرة فلا يصح لأنها معتبرة فيما له قيمة، فهي كالثياب و الحيوان، و القراض بالفلوس لا يجوز، و القراض بالورق المغشوش لا يجوز، سواء كان الغش أقل أو أكثر أو سواء، و فيه خلاف**»^۴ در قدیم پولهایی از نیکول رائج بوده است که پول بوده است ولی درهم و دینار نبوده است.

ابن براج: «و القراض من العقود الجائزة في الشريعة بغير خلاف، و ليس يجوز القراض إلا بالأثمان من الدنانير و الدراهم و لا يجوز بغيرهما. و لا يصح بالنقرة لأنها معتبرة بالقيمة كالحيوان و الثياب.»^۵.

۱ - جلسه نوزدهم- مسلسل ۳۸- چهارشنبه - ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

۲. العروة الوثقى (المحشى) ۵: ۱۴۸.

۳. العروة الوثقى (المحشى) ۵: ۱۴۸؛ الأقوى هو ما عليه المشهور. (البروجردی).

۴. المبسوط في فقه الإمامية ۳: ۱۶۸.

۵. المهذب (لابن البراج) ۱: ۴۶۰.

غنية النزوع: «و من شرط صحة ذلك، أن يكون رأس المال فيه، دراهم أو دنانير معلومة مسلمة إلى العامل، و لا يجوز القراض بالفلوس و لا بالورق المغشوش، لأنه لا خلاف في جواز القراض مع حصول ما ذكرناه، و ليس على صحته إذا لم يحصل دليل.»^٦

لذا جمع معتنابهی از فقها می‌گویند مضاربه نه با کالا جایز است و نه با غیر درهم و دینار، حتی **صاحب جواهر** در مسئله‌ای می‌فرماید اگر مالک یک تور ماهیگیری به صیاد بدهد و بگوید برو با این تور ماهی صید کن و صید به نسبت بین ما تقسیم شود که مثلاً یک سوم مال من و دو سوم مال تو باشد. **صاحب جواهر** می‌فرماید این معامله باطل است چون سه احتمال در این معاوضه است که هر سه وجه مشکل دارد:

احتمال اول: این قرارداد و معاوضه، مضاربه باشد، می‌فرماید مضاربه نیست «**لانتفاء الشرط**»، شرط این است که رأس المال درهم و دینار باشد و رأس المال در این قرارداد تور ماهیگیری است نه درهم و دینار.

احتمال دوم: این معاوضه شرکت باشد، ولی شرکت نیست چون هویت شرکت به امتزاج و اختلاط است ولی اینجا اختلاط و امتزاج نیست.

احتمال سوم: این معاوضه و این عمل اجاره باشد، اگر اجاره باشد این اجاره باطل است چون در اجاره معلومیت اجرت شرط است و اینجا اجرت معلوم نیست، لذا **صاحب جواهر** می‌فرماید این قرارداد باطل است. عبارت ایشان این است: «**فلیس هی الا معامله باطله**»^٧.

عرض می‌کنیم چهار نکته اینجا فی الجمله باید مورد بررسی قرار بگیرد تا بعد به نتیجه برسیم و وقتی نتیجه این مسئله روشن شد وضعیت مضاربه با بیت کوین هم روشن می‌شود.

نکته اول: دلیل کسانی که می‌گویند مضاربه بر غیر درهم و دینار باطل است چیست؟

نکته دوم: فرض کنید ما در دلیل قائلین به بطلان خدشه کردیم و گفتیم این دلیل شما صحیح نیست، آیا مسئله تمام است یا باز هم مشکل وجود دارد؟ جواب این است که باز هم مشکل وجود دارد، بعد از بطلان دلیل قائلین عدم صحت مضاربه بر غیر درهم و دینار، باید دلیل بر صحت مضاربه بر غیر درهم و دینار اقامه کنیم و اگر دلیل بر صحت اقامه نکنیم اصالة الفساد می‌گوید در وقت شک در صحت معاوضه و مضاربه با بیت کوین، این معاوضه باطل است. لذا تنها ابطال دلیل قائلین به بطلان مضاربه با بیت کوین صحیح کافی نیست.

نکته سوم: آیا دلیل داریم که مضاربه بر غیر درهم و دینار جایز است یا نه؟

نکته چهارم: اگر نتوانیم این قرارداد را به عنوان مضاربه تصحیح کنیم به هر دلیلی، آیا می‌توان در پوشش یک قرارداد دیگر و یک عقد دیگر این معاوضه و قرارداد را تصحیح کرد یا نه؟

اما نکته اول: دلیل قائلین بر بطلان مضاربه بر غیر از درهم و دینار چیست؟

پاسخ این است که تنها دلیل قائلین به بطلان مضاربه با غیر درهم و دینار اجماع است، یکی از مواردی که اجماع تبعدی در آن مورد مطرح است، همین بحث است.

عبارت **صاحب عروه** بیان شد «**فلا تصح بالفلوس و لا بالعروض بلا خلاف بینهم، و إن لم یکن علیه دلیل سوی دعوی الإجماع، نعم تأمل فيه بعضهم و هو فی محله و هو فی محله لشمول العمومات إلّا أن یتحقق الإجماع و لیس ببعید فلا یترک الاحتیاط**». البته ایشان در ادعای اجماع خدشه می‌کنند. شخصیتی مثل **محقق بروجردي** می‌فرماید اقوا قول مشهور صحیح است که مضاربه با غیر درهم و دینار صحیح نیست.

باید بررسی کنیم که آیا در مسئله اجماع وجود دارد یا نه؟ و آیا اجماع تبعدی است یا نه؟ و متعلق اجماع چیست؟

^٦ غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع ٢٦٦.

^٧ جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام ٢٦: ٣٥٨؛ و لو دفع إليه أي إلى العامل آلة الصيد كالشبكة بحصة ثلث مثلاً فاصطاد لم يكن مضاربة قطعاً، لانتفاء الشرط و لا شركة لعدم الامتزاج، و لا إجارة لعدم معلومية الأجرة، فليس هي إلا معاملة باطلّة.

به نظر ما - که البته بعضی دیگر از علما همین مطلب را دارند - اینجا در ادعای اجماع یک خلطی واقع شده است؛ ما دو مطلب داریم که بر یک مطلب ادعای اجماع شده است از طرف قدما که هیچ محذوری ندارد و محل خلاف هم نیست این ادعای اجماع توسط برخی از فقها به اشتباه تفسیر شده و این ادعای اجماع را آورده‌اند در یک مسئله خلافی مطرح کرده‌اند.

بیان مطلب: قدمای اصحاب می‌گویند ما اجماع داریم که مضاربه بر درهم و دینار صحیح است، اجماع برای یک امر اثباتی که هیچ کس اختلاف ندارد و همه قبول دارند اما یک مسئله نفی‌ای داریم که مضاربه بر غیر درهم و دینار صحیح نیست، قدما ادعای اجماع بر این مسئله دوم ندارند. جمعی از فقها که بدئا به **علامه حلی** و بعد از **علامه حلی** مثل **محقق ثانی** آمده‌اند اجماع بر اثبات را بر نفی مطرح کرده‌اند، مسئله اجماعی نیست. اینکه مضاربه با درهم و دینار جایز است این مسئله اجماعی است، اما اینکه مضاربه با غیر درهم و دینار جایز نیست اینجا اجماع ندارند و قدما در این مورد ادعای اجماع ندارند و بعد از بررسی اجماع می‌گوییم غیر از اجماع بر این مسئله دلیلی نداریم.

عبارت **شیخ طوسی در خلاف:** « لا يجوز القراض إلا بالأثمان التي هي الدراهم و الدنانير دلینا: إن ما اخترناه مجمع على جواز القراض به، و ليس على جواز ما قالوه دليل »^۸.

عبارت **شیخ طوسی در مبسوط** « و جملته أن القراض لا يجوز إلا بالأثمان من الدراهم و الدنانير، و أما غيرهما فلا يجوز و فيه خلاف (و أما القراض بالنقرة فلا يصح لأنها معتبرة فيما له قيمة، فهي كالثياب و الحيوان،) و القراض بالفلوس لا يجوز، و القراض بالورق المغشوش لا يجوز، سواء كان الغش أقل أو أكثر أو سواء، و فيه خلاف ».

ابن براج: « و انما قلنا هذا لانه لا خلاف في انما ذكرناه مضاربة صحيحة و ليس كذلك ما يخالف ».

غنية النزوع « و من شرط صحة ذلك، أن يكون رأس المال فيه، دراهم أو دنانير معلومة مسلمة إلى العامل، و لا يجوز القراض بالفلوس و لا بالورق المغشوش، لأنه لا خلاف في جواز القراض مع حصول ما ذكرناه، و ليس على صحته إذا لم يحصل دليل ».

در کلمات قدما اجماع بر امر اثباتی است و نه بر امر نفی و لذا در این امر نفی باید دنبال دلیل بر صحت بگردیم و اگر دلیل بر صحت مضاربه داشتیم مضاربه درست است و اگر دلیل نداشتیم مضاربه باطل است ب خاطر عدم دلیل نه به دلیل اجماع و کلامی از **علامه حلی** در مورد اجماع در امر نفی است که خواهد آمد.

^۸. الخلاف ۳: ۴۵۹.